



امروز نمای شهر متفاوت بود اما نه آنقدر که هر سال در چنین روزی شاهدش بودیم. امروز چشمان دانش آموزان برق نمی زد و مثل همیشه از شوق و بازی کودکانه آن هم با لباس فرم مدرسه چندان خبری نبود. امروز به مثابه همان «اول مهر» هر سال بود اما با کمترین شباهت!

بالاخره پس از ۶ ماه خانه نشینی دانش آموزان، امروز درهای ۱۰۵ هزار مدرسه به روی ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار دانش آموز باز شد تا آنها در خط آغاز یکی از متفاوت ترین سال های تحصیلی خود قرار بگیرند. سالی که کرونا خیلی چیزهای آن را تغییر داده و متفاوت کرده است؛ از جمله همین بازگشایی مدارس و شروع تحصیل.

این روزها برای بچه ها و خانواده هایشان بیش از آنکه شوق و ذوق به همراه بیاورد، نگرانی و دلهره آورده است. همین موضوع یکی از دلایل مهم آغازی متفاوت نسبت به تمام سال های پیشین است. در سال های گذشته چند روز مانده به بازگشایی مدارس و فصل آغاز تحصیل، فضای شهر رنگ و بوی مدرسه می گرفت و هیاهوی سطح شهر با ترافیک بیشتر و حضور پر تعداد دانش آموزش معنا می یافت، اما امسال خبری از آن همه هیاهو نبود، نه تعداد دانش آموزان در تردد چشمگیر است و نه سروصدای خاصی از مدارس می آمد. صبح امروز که چنین بود و در ساعت مقرر و مرسوم، دانش آموز چندان زیادی در خیابان های شهر دیده نمی شد. با این حال می شد نشانه هایی از آغاز سال تحصیل را دید.

تعدادی بعد از ۶ ماه دوری از مدرسه دوباره لباس های فرم را به تن کردند و کوله هایشان را به دوش انداختند و راهی مدرسه شدند. سال پایینی ها با خانواده رفتند و سال بالایی ها مثل روزهای قبل کرونا با رفقای شان قرار گذاشتند.

■ طلوع سلام

در کنار مدرسه ابتدایی پسرانه طلوع سلام برخی خانواده ها با چهره هایی نگران ایستاده اند، انگار سال های سال از آن روزهایی که خانواده ها فرزندان شان را با خیال راحت به مدرسه می سپردند، گذشته است آنها در اولین روز بازگشایی مدرسه فقط یک نگرانی دارند و آن هم حضور کرونا: «با اینکه خودمان رضایتنامه را پر کردیم اما باز هم نگرانیم همه اش فکر می کنم بچه ام درگیر بیماری نشود.» اینها را مادر ارسلان می گوید که پسرش دانش آموز کلاس اول است. مدیر مدرسه از خانواده های کلاس اولی خواسته بود



خانواده ها همراه دانش آموزان در مدارس حضور یافتند

بیم و امید

تا بچه هایشان را برای کلاس بندی به مدرسه بیاورند در بین کلاس اولی ها کلاس دومی ها و سومی ها هم بودند. برخی از والدین آمده بودند که تکلیف درس و مشق بچه هایشان را روشن کنند و بدانند قرار است مدرسه چه برنامه ای برای دانش آموزانش داشته باشد: «هنوز برنامه درسی حضوری بچه ها معلوم نشده است. هفته قبل برنامه درسی فضای مجازی را دادند و گفتند از طریق شاد درس را جلو می بریم، اما امروز کانال مدرسه اعلام کردند که بچه ها باید در مدرسه حضور داشته باشند و برنامه درسی هم بر اساس حضور دانش آموز تغییر می کند.» دل نگرانی بسیاری از خانواده هایی که دانش آموز دارند، ترس از کرونا است و اینکه دانش آموزان ابتدایی شیطنتهای خاص خود را دارند و درکی از کرونا ندارند: «بچه ها کوچک هستند و نمی دانند چطور باید از خودشان مراقبت کنند. نگرانی ما این است که سلامت شان

به خطر بیفتد. بچه شش هفت ساله چه از پروتکل بهداشتی می داند!» این حرف های مادر یکی از دانش آموزان بود. او به حیاط خلوت مدرسه اشاره می کند و می گوید: «امروز کلاس بندی پسرم بود و خانم مدیر درخواست کرد که بچه ها به مدرسه بیایند البته ما فرم رضایتنامه را هم برای امروز امضا کردیم من بچه ام را آوردم و حالا می بینم که خانواده ها استقبال نکردند.»

آن طور که این خانم مدیر می گوید، دو روز است که از صبح تا ۱۲ شب در مدرسه بوده تا بتواند شرایط ایمن را برای آمدن دانش آموزان مهیا کند: «ما مثل خانواده ها نمی دانستیم کلاس ها حضوری است. این دور روز سعی کردیم کلاس ها را ضد عفونی کنیم و دستگاه تب سنج بخریم. با خانواده ها هم صحبت کردیم اما خب نگرانند.» خانم مدیر به سمت بچه ها می رود تا آنها را برای کلاس بندی آماده کند. ۴۰ صندلی

در حیاط مدرسه قرار گرفته و نزدیک ۲۰ دانش آموز کلاس اولی روی آن نشسته اند. دانش آموزان در دنیای خودشان هستند. برخی هایشان شادند و دوست پیدا کرده اند، برخی دیگر این طرف و آن طرف می دوند، برخی هم با ماسک روی صورت شان بازی می کنند از روی چشم شان به بالای سرشان می برند و در نهایت ماسک را درمی آورند و به دست می گیرند و بعد از چند دقیقه دوباره به روی صورت می زنند. امیرعلی چند باری ماسکش را در آورد. او هفت ساله است و از امسال قرار است ۱۲ سال تحصیلی اش را شروع کند و پشت نیمکت های کلاس اول بنشیند: «خیلی مدرسه را دوست دارم از کرونا هم نمی ترسم.» از او می پرسیم برای اینکه به بیماری کرونا مبتلا نشود، چکار باید انجام دهد، می گوید: «مامانم بهم یاد داده که ماسکم رو بزنم و دستم رو به صورتم نزنم.» اینها را که می گوید، ماسکش را تکانی می دهد و می رود

نگرانی خانواده ها را درک می کنیم

دو دغدغه مهم سلامت دانش آموزان و ارائه آموزش با کیفیت را داریم، اظهار کرد: باید راهی را می یافتیم که این دو حق بزرگ اساسی تأمین شود. به مجموعه توانمند و با صلاحیت وزارت بهداشت اعتماد کردیم. آنان بازگشایی را با رعایت پروتکل ها مجاز دانسته اند و هر زمان تدبیر دیگری کنند، خود را برای عمل به آن آماده کرده ایم. حاجی میرزایی افزود: رعایت فاصله بین دانش آموزان، استفاده از ماسک، کوتاه کردن زنگ کلاس ها و رعایت موارد بهداشتی در سرویس مدارس از جمله پروتکل ها هستند که با جدیت دنبال می شوند.

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه باید در سال تحصیلی جدید همه در میدان باشیم، گفت: نگرانی خانواده ها را درک می کنیم اما به ظرفیت های بالای جامعه اطمینان داریم؛ جامعه زنده جامعه ای است که در برابر پدیده های نوظهور در استیصال قرار نمی گیرد. به گزارش ایسنا، محسن حاجی میرزایی در آیین نمادین آغاز سال تحصیلی جدید که در مدرسه نوجوانان تهران برگزار شد، اعلام کرد: سالی را آغاز می کنیم که متفاوت از سال های قبل و جدید است؛ راهی پر از ناشناخته ها و عدم قطعیت ها؛ باید از مشارکت همگانی بهره ببریم. وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه

به سمت مادرش. همایون با شیلد و دستکش در مدرسه حاضر شده؛ او از مادرش جدا نمی شود، خودش می گوید دوست دارد خانم معلمش را ببیند اما تا آن وقت مادرش هم کنارش باشد. مادر همایون از ترس هایش می گوید: «راستش من تا امروز مخالف بودم اما نمی شود که بچه معلمش را نبیند. گفتم امروز با خودم می آورم حداقل با معلمش آشنا شود و البته بینم دیگر والدین چکار می کنند. البته امروز دیدم وسایل ضد عفونی کننده وجود دارد و دمای بدن بچه ها چک می شود این خوب است اما باید دید سر کلاس چگونه می نشینند.» موضوع مهم برای خیلی از خانواده همین است که بچه ها چطور در کلاس درس با هم ارتباط برقرار می کنند.

■ دبیرستان شهید احمدی روشن

زمان، زمان آمدن دانش آموزان مدرسه متوسطه اول احمدی روشن است. در کوچک مدرسه باز است و خبری از بابای مدرسه هم نیست. در این مدرسه نه خبری از تب سنج است و نه حتی وسایل ضد عفونی کننده. ساختمان مدرسه خالیست هنوز معلم ها و دانش آموزان نیامده اند در حیاط مدرسه سرایدار مشغول آب و جارو کردن مدرسه است. می گویم که تازه شروع به نظافت کردید؟ او فکر می کند که والدین دانش آموزی هستیم، در جواب می گوید: «خودتان هم همین امروز فهمیدید که بچه های تان باید به مدرسه بیایند.» می گوید با آقای مدیر حرف بزنم که آن طرف تر مشغول درست کردن سکوی صبحگاهی است. آقای مدیر هم به سؤالاتم پاسخی نمی دهد و فقط می گوید: «خیلی درگیرم. بچه ها هر لحظه ممکن است برسند و کار دارم.» می پرسیم از وسایل ضد عفونی کننده خبری نیست. سرش را تکانی می دهد: «به ما فقط گفتند مدرسه را باز کنیم و باز کردیم. ضد عفونی هم می کنیم.» همین ها را می گوید و می رود و از من هم می خواهد بیرون مدرسه باشم. چند لحظه بعد بچه ها هم می رسند برخی ها با خانواده اند و برخی ها هم خودشان آمدند. اینجا دبیرستان پسرانه است و این پسران هم حرف هایی درباره آموزش مجازی و این مدت خانه نشینی دارند. پارسا سال یازدهمی است. او تمایل دارد کلاس های درسش حضوری باشد: «خانم، آموزش مجازی اصلاً خوب نیست. اینترنت قطع می شد و نمی توانستیم دقیق درس را بفهمیم برای همین دوست دارم در مدرسه حاضر شوم و درس را حضوری یاد بگیرم. اصلاً امتحان ها هم برای ما سخت بود.»